

نقد و بررسی کتاب:

### «موانع تاریخی توسعه نیافتگی در ایران»

تألیف: دکتر مصطفی وطن خواه (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰)  
دکتر سیدحسین میرجلیلی\*

#### ۱. بررسی

کتاب «موانع تاریخی توسعه نیافتگی در ایران» در سه فصل تنظیم شده است؛ عناوین فصول سه گانه عبارت‌اند از:

فصل اول: بطلان نظریه تکامل یک خطی جوامع بشری برای جامعه ایران؛

فصل دوم: چرا ایران همزمان با غرب و یا اندکی پس از آن صنعتی نشد؟

فصل سوم: سرآغاز دگرگونیهای بنیادی در نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران.

پرسش اصلی کتاب در پیشگفتار چنین ذکر شده است:

«چرا جامعه ایران در آخرین ربع قرن بیستم دستخوش چنان تحولاتی می‌شود که در آن نمایندگان طبقات و قشرهای اجتماعی‌ای که خود را در کسب قدرت محق می‌دانستند، یعنی طبقه «بورژوازی» یا طبقه «پرولتاریا» و جز اینها، توانایی آن را نداشتند، یا نیافتند، که رهبری نهضتی را که خود نزدیک به یک قرن در جهت آن تلاش می‌کردند، در دست گیرند و یا لاقلاً، در رهبری آن سهیم شوند. سرانجام، درگیرودار حوادث، ناگزیر رهبری نهضت به یک قشر سنتی واگذار شد. ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی.

«بورژوازی» با تمامی تجربیات و تلاشهای تاریخی اش و طبقه کارگر با آن پشتوانه اندیشه اجتماعی، تاریخی و سازمانی اش هنوز در اجرای وظیفه تاریخی خود مصمم نبوده و به رسالت تاریخی اش واقف نگردیده است» (ص ۷).

سپس، نویسنده در ادامه پیشگفتار، هدف تألیف کتاب را چنین می گوید: «تلاش ما در این کتاب معطوف به آن است که با مناسبات تولیدی و روابط اجتماعی جامعه ایران تا اوایل قرن بیستم که زیربنای ساختمان اقتصادی و اجتماعی زمان ما را تشکیل می دهد، به درستی آشنا شویم و به سوی این هدف کار را آغاز می کنیم» (ص ۱۰).

در فصل اول که به سه بخش تقسیم شده است، نظریه ماتریالیسم تاریخی به عنوان نظریه تکامل یک خطی رد شده و شیوه تولید آسیایی به عنوان جایگزین آن معرفی شده است.

در فصل دوم، که به شش بخش تقسیم شده است، دلیل صنعتی نشدن ایران همزمان با غرب یا اندکی پس از آن، به دلیل پدیده استبداد شرقی (ایرانی) دانسته است؛ به عبارت دیگر، استبداد مانع صنعتی شدن ایران شده است. در بخش پنجم کتاب، پایگاه استبداد شرقی در ایران، اقتصاد و شیوه آبیاری، مالکیت عمومی و دیوان سالاری (بروکراسی) ذکر شده است. این پایگاهها، بدین ترتیب از صنعتی شدن ایران جلوگیری کردند که مازاد تولید اجتماعی را جذب می کردند و اجازه رشد به جامعه نمی دادند؛

«پایگاه این قدرتهای بی حد و مرز که در تمدن ما قبل سرمایه داری ایران برای هزاران سال دوام و در هیئتی از استبداد شرقی تجلی می یافتند، بر اساس اقتصاد و سیستم آبیاری و سلطه مالکیت عمومی بنا شده بود و مآلاً یک دستگاه عظیم اداری و کاغذ بازی را به همراه ابزارهای اجرایی خود مانند ارتش و سایر سازمانهای شبه نظامی دیگر جهت ادامه بقاء، تجدید تولید و گسترش نظام به طور کلی ضروری می نمود و این خود نیز در تحلیل نهایی، تمرکز و جذب مازاد تولیدات اجتماعی را از طریق این دستگاه عظیم اداری اجتناب ناپذیر می کرد» (ص ۱۶۸).

فصل سوم اختصاص به بررسی دگرگونیهای اساسی در نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران دارد و شامل پنج بخش است: ابتدا تفسیری از تکامل تاریخی نظام سرمایه‌داری ارائه شده و در آن تحولات سرمایه‌داری از سوداگری (مرکانتیلیسم) تا دوران مدرن تحولات از سرمایه سوداگر تا سرمایه‌داری غیرانحصاری و جذب در مدار نظام سرمایه‌داری دانسته شده است. پس از آن طبق الگوی مکتب وابستگی، ایران در دوران سرمایه انحصاری تبیین شده است. در مورد تحولات در قشرها و طبقات اجتماعی به ویژه به نقش شاه و دربار و همچنین نقش بخشی از روحانیت در بازدارندگی توسعه اشاره شده است.

در باره نقش بخشی از روحانیت در توسعه‌نیافتگی ایران چنین می‌گوید:

«بخشی از روحانیت که مذهب را در انحصار خود گرفته بود و قشر روحانیت را یک جا به همراه می‌کشید، با اتکاء به پایگاههای داخلی و خارجی و از طریق سوء استفاده از اعتقادات مذهبی، قید و بندها ساخت و به دست و پای مردم زد و قدرت حرکت را از آنان سلب نمود. این بخش به دربار و امپریالیسم کمک کرد تا مردم را مهار کند و به طور عینی و ذهنی خود را شریک جرم آنها ساخت. این بخش از روحانیت پیوسته به تسخیر روح توده‌ها پرداخت. قدرتهای فوق طبیعی و سحرآمیز را در مقابل آنها قرار داد و افسانه‌های حرکت‌گیر و وحشت‌آور کودکانه را در زمانی که غرب دستخوش تحولات عظیم علمی و صنعتی خود بود، قطره قطره در کام توده‌ها فرو ریخت و از این طریق آنها را از پیشرفت بازداشت» (صص ۳۸۱-۳۸۲).

سرانجام، موانع اصلی پیشرفت جامعه ایران چنین ذکر می‌شود:

«در عصر به اصطلاح روشنفکری تاریخ ایران، یعنی نیمه دوم قرن نوزدهم و حتی ربع اول قرن بیستم، کلیه گفته‌ها و نوشته‌های روشنفکران و آزاداندیشان و نیز لبه تیز حملات منتقدان اصلاح طلب جامعه، همواره متوجه سه عامل حرکت‌گیر و بازدارنده تاریخ، یعنی دربار و شاه، روحانیت وابسته

به بیگانگان و امپریالیسم می‌گردید و هم اینان در واقع، به عنوان موانع اصلی پیشرفت و ترقی جامعه ایران تشخیص داده شده بود» (ص ۳۸۲).

## ۲. نقد

به نظر می‌رسد ساختار تحلیلی این کتاب بر اساس دو نظریه شیوه تولید آسیایی و وابستگی بنا شده است. در فصل اول کتاب، شیوه تولید آسیایی به عنوان جایگزین تکامل یک خطی تاریخ در ماتریالیسم تاریخی معرفی می‌شود و در فصل سوم، دلیل صنعتی نشدن ایران را پدیده استبداد شرقی (ایرانی) می‌داند که عبارت دیگری از شیوه تولید آسیایی است. در بخش دوم از فصل سوم کتاب نیز با استفاده از نظریه وابستگی به تحلیل وضعیت ایران در دوران سرمایه‌داری غیرانحصاری می‌پردازد. به همین دلیل، نقد و بررسی کتاب را با معرفی و نقد این دو نظریه آغاز می‌کنیم؛ زیرا مبنای تحلیلی کتاب را شکل می‌دهند.

### ۱-۲. نظریه وابستگی

نظریه پردازان وابستگی آن را فرآیندی عام می‌دانند که در همه کشورهای توسعه‌نیافته صادق است؛ وابستگی را وضعیت خارجی و تحمیل شده از بیرون می‌دانند و آن را وضعیتی می‌دانند که ناشی از قطبی شدن منطقه‌ای است و سرانجام، اینکه وابستگی و توسعه با یکدیگر ناسازگار هستند. این موارد در فصول مختلف کتاب مصداق دارد. از ویژگیهای مشترک تحلیلهای وابستگی، آن است که دامنه روابط وابستگی را فراتر از قلمرو صرف اقتصادی می‌داند و روابط سیاسی و فرهنگی را نیز در نظر می‌گیرند. همچنین، تمام تحلیلهای وابستگی بر روابط وابسته و نابرابری تأکید دارند که به تصور نظریه‌پردازان این مکتب، میان کشورهای پیرامون و اقتصادهای پیشرفته سرمایه‌داری وجود دارد؛ بنابر نظر آنها، روابط وابستگی مانع توسعه پیرامون می‌شود. این موضوعی است که در این کتاب دنبال شده است.

تحلیلهای وابستگی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- تحلیلهای نئومارکسیستی وابستگی؛

- تحلیلهای ساختارگرای وابستگی؛

- مطالعات کشوری تحلیل وابستگی.

#### ۲-۱-۱. تحلیل‌های نوین کیستی وابستگی

دوس سانتوس چنین رویکردی به نظریه وابستگی دارد. سانتوس نظریه وابستگی را همتای نظریه امپریالیسم می‌داند که بر وضعیت پیرامون تأکید دارد و با درک وابستگی می‌توان نظریه امپریالیسم را گسترش داد و مجدداً صورت‌بندی کرد. مرکز با استعمار پیرامون، روند انباشت سرمایه خود را تسریع می‌کند و انواع مختلفی از روابط وابستگی میان پیرامون و مرکز به وجود می‌آورد، در نتیجه پیرامون، امکان توسعه مستقل سرمایه‌داری را از دست می‌دهد.

سانتوس سه جنبه وابستگی را که مانع تحقق توسعه اقتصادی در پیرامون می‌شود، ذکر می‌کند: حفظ صادرات سنتی از طریق حفظ روابط عقب‌مانده تولیدی؛ کسری تراز پرداختها به دلیل کاهش قیمت مواد خام و افزایش قیمت محصولات صنعتی؛ محدود شدن توسعه صنعتی به دلیل انحصار فنی مراکز امپریالیستی و بالا بودن هزینه کسب فناوری.

#### ۲-۱-۲. تحلیل‌های ساختارگرای وابستگی

سانکل و فورتادو چنین رویکردی به نظریه وابستگی دارند. این رویکرد اندیشه کمیسیون اقتصادی برای امریکای لاتین (ECLA) را صورت‌بندی می‌کند که در امتداد نظریه وابستگی باشد. انگیزه اصلی آنها تبیین جنبه خاصی از وابستگی، یعنی وابستگی فرهنگی از یک سو و وابستگی به سرمایه‌گذاری خارجی از دیگر سو بود. فورتادو برای وابستگی فرهنگی نقش مبنایی علی برای توسعه‌نیافتگی قائل شد. وی معتقد است مازادی که در کشور توسعه‌نیافته باقی می‌ماند، صرف تأمین مالی عاداتهای مصرفی روز به روز متنوع طبقات حاکم از طریق واردات محصولات جدید می‌شود. همین استفاده خاص از مازاد است که منجر به شکل‌بندیهای اجتماعی می‌شود که ما از آنها به عنوان اقتصادهای توسعه‌نیافته یاد می‌کنیم. از نظر سانکل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط شرکتهای فراملی که در مرکز سرمایه‌داری جهانی مستقرند، باعث می‌شود کنترل فناوری، طراحی محصولات و

بازاریابی در دست آنها باشد و تقسیم کار بین‌المللی را شکل می‌دهند؛ به عبارت دیگر، شرکت‌های فراملی نوع صنعتی شدن در پیرامون را تعیین می‌کنند؛ در نتیجه، کشورهای جهان سوم همیشه در وابستگی و عقب‌ماندگی فناوری نسبت به مرکز جهانی نگه داشته خواهند شد.

### ۲-۱-۳. مطالعات کشوری تحلیل وابستگی

کاردوسو و فالتو چنین رویکردی به نظریهٔ وابستگی دارند. آنها تأیید می‌کنند که خاستگاه فکری مطالعاتشان، دیدگاه مارکسیستی است، اما عناصری از ساختارگرایی را نیز در خود نهفته دارد. از نظر آنها یک نظام یکپارچه سرمایه‌داری جهانی وجود دارد و شرایط سیاسی و اقتصادی جهان سوم با تعامل عوامل داخلی و خارجی تعیین می‌شود. با توجه به میزان و تنوع وابستگی، کاردوسو و فالتو چنین نتیجه می‌گیرند که سودمندترین نقشی که نظریهٔ وابستگی ایفا می‌کند، افزایش مطالعهٔ اشکال مختلف وابستگی و از این طریق، تعیین دقیق‌تر ویژگی‌های آن اشکال است. تنها بدین ترتیب می‌توان توصیه‌های مناسبی را برای تحولات اقتصادی و کنش سیاسی در پیرامون ارایه و مسیرهای واقع‌گرایانه‌ای را جهت‌گذار نهایی به سوی سوسیالیسم مشخص کرد (هانت، ۱۳۷۶، صص ۲۱۲-۲۲۹ و پالما، ۱۹۸۷، صص ۸۰۲-۸۰۴).

بخش دوم فصل سوم کتاب موانع تاریخی توسعه‌نیافتگی در ایران به بررسی ایران در دوران سرمایه‌داری غیرانحصاری و جذب آن به مدار نظام سرمایه‌داری با استفاده از نظریهٔ وابستگی می‌پردازد. نویسنده در این باره می‌گوید:

«در دوران سرمایه‌داری غیرانحصاری در غرب، ایران به بازار فروش کالاهای صنعتی اروپای غربی، به ویژه انگلستان، و نیز تأمین‌کنندهٔ مواد خام و مواد غذایی آنها تبدیل شد. تحت چنین شرایطی نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران با تمام تلاشها و مقاومتها به مدار نظام سرمایه‌داری جذب و سرنوشت آن با رشته‌های متعدد به بازار جهانی وابسته شد» (ص ۲۶۵).

در مورد نظریهٔ وابستگی که یکی از مبانی تحلیلی این کتاب بوده است، باید گفت که ممکن نیست بتوانیم خط قاطع مشخصی میان اقتصادهای وابسته و غیروابسته ترسیم

کنیم، برعکس، وابستگی متقابل بین‌المللی به درجات مختلف شامل حال تمام کشورها می‌شود؛ در واقع، توسعه و وابستگی متقابل در دنیای کنونی با یکدیگر همزیستی دارند. همان طور که تحلیلهای جدید وابستگی آن را ذکر کرده‌اند.

از سوی دیگر، رویکرد نئومارکسیستی مبنی بر دائمی شدن توسعه نیافتگی و وابستگی یا محدود شدن رشد، سرانجام به نتایجی اجتناب‌ناپذیر و ایستا منجر می‌شود. باید توجه داشت که نظریه وابستگی نمی‌تواند رشد سریع کشورهای تازه صنعتی شده در شرق آسیا را توضیح دهد. شرکتهای فراملی نیز در زمینه انتقال فناوری، ایجاد رقابت و افزایش کارایی و همچنین در تسریع رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه نقش داشته‌اند و اثرات این شرکتهای تنها موارد منفی ذکر شده در نظریه وابستگی نیست. مدیریت و کنترل کشور میزبان نقش مهمی در بهره‌برداری از شرکتهای چندملیتی دارد.

نظریه وابستگی از ابتدا طرفدار قطع وابستگی از جهان سرمایه‌داری و ایجاد وابستگی به جهان سوسیالیسم بود؛ از این رو، وابستگی بازتعریف می‌شود، ولی از بین نمی‌رود. افزون بر آن، در قدرت نیروهای مرکز، اغراق شده و پیرامون را یک قربانی دست و پا بسته قلمداد می‌کند.

## ۲-۲. نظریه شیوه تولید آسیایی

مناسبات میان مردم که در جریان تولید کالاهای مادی پدید می‌آید و در مقاطع زمانی معینی غالب می‌شود، روی هم رفته «شیوه تولید» نامیده می‌شود. شیوه‌های تولید به صورت کمون اولیه، آسیایی، فئودالی و سرمایه‌داری ظاهر شده است. شیوه تولید آسیایی، شیوه تولیدی است که در آن گروههای اشتراکی بر جای می‌مانند، اما رؤسای قبایل، دودمانهای حاکم یا روحانی - پادشاهانی پدید می‌آیند که انجام کارهای تجاری یا نظامی یا سازماندهی آبیاری برای عموم را بر عهده می‌گیرند و اسباب مادی زندگی را از راه اخذ مالیاتهای کم و بیش داوطلبانه از جامعه‌های اشتراکی تأمین می‌کنند. در این مرحله، اعضای جامعه‌های اشتراکی دیگر به هیچ وجه در حاصل کار خود به یکسان سهم نیستند، بلکه زمین را کم و بیش به اشتراک در تملک دارند، به گونه‌ای که

فرد از یک طرف، حفاظت از موجودیت اشتراکی را بر عهده دارد و از طرف دیگر، از تلاش جدی در آباد کردن قطعۀ زمینی که برای فصلی معین یا چند سال روی آن کار می‌کند، نفعی نمی‌برد (دون، ۱۳۶۸، صص ۱۶-۱۷).

مارکس در پیش‌گفتار بر نقد اقتصاد سیاسی از شیوۀ تولید آسیایی به عنوان یکی از دورانهای مسیر تکامل تاریخی اجتماعات نام می‌برد. مارکس و انگلس، روسیه تزاری را شبه‌آسیایی تلقی می‌کردند و انگلس در کتاب آنتی‌دورینگ (۱۸۷۷) مفهوم انزوای کمون روسی را به عنوان شالوده‌استبداد شرقی معرفی کرد. همچنین مارکس و انگلس ذکر کردند که نبود مالکیت خصوصی، به ویژه مالکیت خصوصی بر زمین، علت اصلی رکود اجتماعی در جامعه آسیایی است. جماعت‌های روستایی به دلایل جغرافیایی و آب و هوایی به یک نظام آبیاری وابسته بودند که خود متضمن یک دستگاه اجرایی متمرکز برای هماهنگی و توسعه امور آبیاری در مقیاسی بزرگ بود؛ لذا استبداد و رکود با توجه به نقش چیره دولت در امور عمومی و خودبسندگی و انزوای جامعه روستایی، ویژگی شیوۀ تولید آسیایی بود (ولی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۰).

مارکسیست‌های مخالف شیوۀ تولید آسیایی، جامعه‌های آسیایی را در مرحله برده‌داری یا فئودالیسم قرار می‌دادند و طرح تک‌خطی تکامل تاریخی (کمونیسم آغازین، برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری و سوسیالیسم) را برای همه جامعه‌ها صادق می‌دانستند. بحث جامعه آسیایی با کتاب «استبداد شرقی» کارل و تیفوگل در مورد مدیریت متمرکز آبیاری در اقتصاد چین، دوباره از سر گرفته شد و این الگو بدیل نظریۀ تک‌خطی ماتریالیسم تاریخی، به ویژه جایگزین شیوۀ تولید فئودالی اروپایی شد (ولی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۲).

برخی نویسندگان، شیوۀ تولید آسیایی را در دوره پیش از مشروطیت در ایران به کار می‌برند و از آن به «استبداد ایرانی» و «جامعه کم‌آب» یاد می‌کنند.

از نظر مارکس، «شیوۀ تولید آسیایی» نشانگر ساختار اقتصادی جامعه‌ای عمدتاً کشاورزی است که از ترکیب مالکیت ارضی و حاکمیت سیاسی در کالبد یک حکومت متمرکز به وجود می‌آید. دولت آسیایی به دلیل سمت دوگانه خود در مقام مالک - حاکم، مازاد اقتصادی تولیدکنندگان مستقیم را به صورت مالیات - بهره مالکانه تصاحب



می‌کند؛ از این رو، روابط تصرف (استثمار) مستلزم روابط طبقاتی نیست، بلکه ناشی از اعمال فشار سیاسی محض از جانب دولت است؛ امری که در کل مبنای این شیوه تولید است. دولت آسیایی، بازتولید اقتصاد را تأمین و تضمین می‌کند و در عین حال اساساً مستقل از روابط اقتصادی باقی می‌ماند. نبود نهاد مالکیت خصوصی بر زمین و طبقه مالک مستقل از دولت، ویژگیهای معرفّ این مفهوم و تفسیرهای گوناگون آن در نظریه مارکسیستی است (ولی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۳).

در ارزیابی نظریه شیوه تولید آسیایی باید گفت که این نظریه با جایگزینی شیوه تولید آسیایی به جای فئودالیسم، گذار از یک تفکر قالبی به تفکر قالبی دیگر است. از سوی دیگر، نظریه شیوه تولید آسیایی در کنار نقایص تجربی، آکنده از مشکلات نظری است؛ مانند اینکه روستای خودبسنده و مستقل، چگونه با وجود دولت متمرکز سازگار است که باید در اقتصاد روستا مداخله کند. علاوه بر آن، شیوه تولید آسیایی به دلیل وجود عوامل فنی پدید آمده است که با آبیاری در مقیاس بزرگ همراه بوده است. در حالی که این ویژگیها بر اثر روابط تولید به وجود نیامده‌اند؛

همچنین، شیوه تولید آسیایی مفروضاتی در زمینه جزم‌گرایی (دترمینیسم) فناوری دارد که با ماتریالیسم تاریخی سنخیت ندارد؛ زیرا در ماتریالیسم تاریخی، روابط تولید تعیین‌کننده نیروهای تولید است. افزون بر آن تبیین منشأ دولت در شیوه تولید آسیایی، با مشکلات جدی همراه است و نبود طبقه متوسط، شهر، مالکیت خصوصی، نهادهای بورژوازی در جامعه آسیایی، معضل نظری در جهان‌روایی و عمومیت ماتریالیسم تاریخی ایجاد می‌کند.

#### کتابنامه

- وطن‌خواه، مصطفی (۱۳۸۰). موانع تاریخی توسعه‌نیافتگی در ایران. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هانت، دایانا (۱۳۷۶). نظریه‌های اقتصاد توسعه؛ تحلیلی از الگوهای رقیب. ترجمه دکتر غلامرضا آزاد. [تهران]: نشر نی.

- ولی، عباس (۱۳۷۵). «تناقضهای مفهوم شیوه تولید آسیایی». ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۱۱-۱۱۲. آذر و دی.
- دون، استفن پ. (۱۳۶۸). سقوط و ظهور شیوه تولید آسیایی. ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز. چاپ اول.
- سو، آلین ی. (۱۳۷۸). تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Palma, j.G. (1987). "Dependency". **The New Palgrave; A Dictionary of Economics**. vol. 1.
- Nitscht, Manfred (1986). "Assessing the usefulness of the dependency approach". **Journal of Economics**. vol.33. Germany.

